

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ اکتوبر ۲۰۲۰

کوتوال یا قومندان امنیه جدید شهر کابل!

۲

یکشنبه - ۲۷ میزان ۱۳۹۹ - کابل: در قسمت قبلی نگاشتم: «و "صالح" هم نه توان و ظرفیت تغییر زیر بنائی چنین شهری را دارد و نه هم خواست و اجازه آن را» در این قسمت خواهم کوشید تا با باز کردن حکم فوق، پرده از لافزنی های "جمبوری" جدید "غنی احمدزی" بردارم.

۱- این که نگاشته ام "صالح" توان و ظرفیت آنچنان تغییرات زیربنائی را ندارد، تا بتواند امنیت را در شهر کابل برقرار سازد، نباید بدان معنا تعبیر گردد که گویا مقدار توپ تفنگ و یا پول و امکانات نزد "صالح" کم است از همین رو قادر به تأمین امنیت نخواهد شد؛ بلکه بدان معناست که در اساس درک "صالح" به مثابه فردی که به گفته خودش همه چیز را از زاویه جاسوسی و استخباراتی می نگرد، در حدی نیست که بتواند یک معضل عمیق اجتماعی را همان طوری که هست درک نماید، "صالح" و "صالح" هائی که در عقب عدم امنیت در شهر کابل صرف چند تن قانون گریز، طماع، خوشگزران و دزد را می نگرند، اینها در تحلیل جامعه ما اساساً دچار استیاه هستند چه آنها نمی خواهند و یا هم منافع شان ایجاب نمی نماید تا در عقب عدم امنیت کنونی در شهر کابل و بقیه شهر های افغانستان، موجودیت اشغالگران و سیاست های استعماری، فقدان امنیت شغلی، فقدان امنیت اقتصادی، فقدان امنیت روانی، فقدان امنیت اجتماعی، فقر، جنگ، فساد، و باروری حاکمیت مبتنی بر میله تفنگ و میلیارد های حاصله از سفاکی و کشتار انسانها را نظاره نمایند.

افردی از طیف "صالح"، این ظرفیت را ندارند تا ببینند که موجودیت خودشان در رأس حاکمیت، سرمشق های منفی برای میلیونها انسان بیکار و بیسواد است تا با بد آموزی همان راهی را طی نمایند، که "صالح" ها و بقیه جنگسالاران، دزدان و جنایتکاران طی نموده اند و از "برکت!!" آن امروز به آب و نانی رسیده قند تفاله کرده، ادعای زعامت یک خلق کبیر را دارند.

۲- این که "صالح" ظرفیت آن را ندارد تا عدم امنیت در شهر کابل را یک معضله اجتماعی ببینند و از همین رو با طمطراق می گوید: " امنیت واقعی و روانی را به کابل عزیز برمی گردانیم. مجرم دو انتخاب دارد؛ عقب میله زندان یا آدم شدن." خود نشانگر آن است که نامبرده حتا از همان منظر امنیتی هم نمی داند که در کشوری مانند افغانستان که عوامل عدیده ای از موجودیت جنگ و طالب و داعش گرفته تا حاکمیت های خود مختار باندهای گلبدین و جمعیت و

شورای نظار و سیاف و بقیه در متن فقر، بیچارگی و در به دری و بیکاری مردم، فساد گسترده، ارتشاء و مواد مخدر، تأمین امنیت در تمام افغانستان من جمله شهر کابل که بیشترین معتاد از جمع سه میلیون معتاد در همیجا زندگانی می نمایند، آنقدر ساده نیست که پسرک خود مرکز بین شورائی نظاری آنها را به دو انتخاب "آدم شدن" و "عقب میله زندان" خلاصه نماید.

چنین طرز تفکری از اساس نشان می دهد، که "صالح" به جز زورگویی و زندان و شکنجه هیچ راه حل دیگری برای تأمین امنیت در کشور ندارد.

۳- از همین محدودیت طرز تفکر است که نوشتن خواست و اجازه آن را ندارد تا امنیت را در شهر کابل برقرار سازد. هرگاه "صالح" صادقانه خواست مبارزه علیه جرایم جهت تأمین امنیت را داشته باشد، در گام نخست می باید به صد ها و هزاران جنگ سالار بر کشور را که مربیان بد آموزی برای قانونگريزان کنونی اند، در پشت های میله های زندان بفرستد، امری که می باید نخست از شخص خودش شروع کند و به نزدیکترین یاران و همکارانش گسترش دهد. هرگاه خواسته باشد واقعاً علیه قانونگريزی و نقض امنیت مبارزه کند، می باید عقب گاه اصلی عدم امنیت را که جنگ، طالب، داعش، فساد داری، تبعیضات قومی، مذهبی و زبانی است و از همه بالاتر و مهمتر اشغال و خصلت مستعمراتی بودن را به نبرد فرا خواند، این همان جایی است که بادارانش به وی اجازه چنین کاری را نخواهند داد. هموطنان گرامی!

همان طوری که بارها نگاشته ام باز هم تذکار می دهم که از دولت دست نشانده کنونی که مستی دزد بی وطن آن را گردانندگی می کنند، نمی باید و نمی توان کمترین انتظار امنیت و رفاه را داشت. زیرا آنها به هیچ وجه حاضر نیستند بپذیرند که فقدان امنیت پولیسی کنونی در افغانستان من جمله شهر کابل، نتیجه مستقیم و معلول بلافصل، وضعیت مستعمراتی کشور است، آنها نمی خواهند بپذیرند تا زمانی که همین وضعیت وجود دارد و جامعه را جواسیس تکنوکرات و منادیان اسلام سیاسی به قهقراء می کشانند و تا زمانی که مردم گرسنه، بیمار و در آستانه مرگ قرار دارند، حاکمیت جو پولیسی از نوع طالب و یا هم فاشیزم عربی، نمی تواند بستر تأمین امنیت سالم در کشور بگردد. بناءً با درک این واقعیت که تأمین امنیت جامعه در گام نخست به رفاه اجتماعی و آزادی و دموکراسی وابسته است و آزادی و دموکراسی و رفاه به اخراج اشغالگر و طرد ارتجاع گره خورده است، پس:

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!